

## چکیده:

می‌دانیم که توسعه همه جانبه در تمامی مراحل و زمینه‌ها بدون وجود نیروهای کارآمد، که از کیفیت علمی و توان فکری لازم برخوردار باشند، ممکن نخواهد بود. آنچه که در نهایت خصوصیت و روند توسعه اقتصادی و اجتماعی جامعه (خصوصاً نواحی روستایی) را تعیین می‌کند «منابع انسانی» آن جامعه است، نه سرمایه یا منابع مادی آن. چنان که پروفیسور فردریک هارایسون<sup>(۱)</sup> می‌گوید:

منابع انسانی پایه اصلی ثروت ملت‌ها را تشکیل می‌دهند؛ سرمایه و منابع طبیعی عوامل تبعی تولید هستند، در حالی که انسان‌ها عوامل فعالی هستند که سرمایه‌ها را متراکم می‌سازند؛ از منابع طبیعی بهره‌برداری می‌کنند، سازمان‌های اجتماعی - اقتصادی

و سیاسی را می‌سازند و توسعه ملی را به جلو می‌برند. واضح است، کشوری که نتواند مهارت‌ها و دانش مردمش را توسعه دهد و از آن در اقتصاد ملی به نحو مؤثری بهره‌برداری کند، قادر نیست هیچ چیز دیگری را توسعه بخشد.

با توجه به فضاوت‌های ارزشی که در مفهوم توسعه نهفته است و ارتباط خاصی که با پیشرفت دارد می‌توان گفت: توسعه و پیشرفت در نواحی روستایی چیزی جز غلبه بر سوء تغذیه، فقر، امراض و دیگر محدودیت‌های اقتصادی، اجتماعی نیست.

برای غلبه و فائق آمدن بر این نارساییها نیز، راهی جز ساخت زیربناهای توسعه (اعم از خدماتی، فرهنگی، آموزشی و ...) به نظر نمی‌رسد. حال، جهت نیل به اهداف، شکوفایی توانمندیهای بالقوه نیروی

انسانی موجود در نواحی روستایی و بخصوص نیروی شاغل و فعال در بخش کشاورزی یا افرادی که به طور بالقوه توانمندی اشتغال در این بخش و صنایع جنبی آن را دارند، از ضروری‌ترین امور خواهد بود. این امر نیز تحقق نخواهد یافت، مگر آنکه یک اقدام جدی و اصلی به منظور بازسازی نیروی انسانی موجود در نواحی روستایی از طریق سرمایه‌گذاری در جهت آموزش و تعلیم و تربیت سازمانی و حرفه‌ای این نیروها در ابتدایی‌ترین مقاطع تا درجات و سطوح بالاتر آموزش، صورت گیرد. در صورت تأمین و تربیت انسانی آموزش دیده و واقع‌گرا می‌توان مشارکت و همکاری این مناطق را در برنامه‌ریزی و اجرای طرح‌های توسعه روستایی جلب نمود و از این طریق، در روند توسعه گامی مهم برداشت.

# سرمایه انسانی و توسعه روستایی

عباسی ابراهیم‌زاده

عضو هیئت علمی - مدیرکل پژوهشی دانشگاه سیستان و بلوچستان

## ● مقدمه

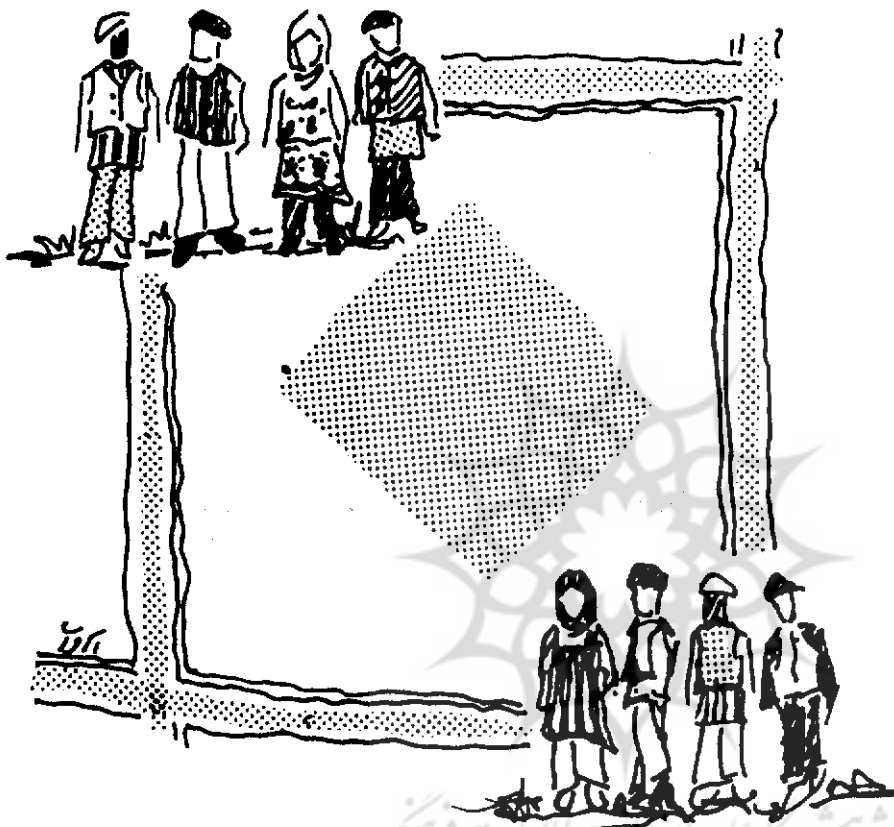
به اعتقاد اکثر علمای توسعه اقتصادی در میان انواع سرمایه‌گذاری‌هایی که در جهت توسعه و تعالی یک جامعه صورت می‌گیرد، برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری در جهت ارتقای توانمندیهای انسانی، مهمترین و پرسودترین رکن توسعه اقتصادی - اجتماعی به شمار می‌رود. می‌دانیم که توسعه همه جانبه در تمامی مراحل و زمینه‌ها، بدون وجود نیروهای کارآمد، که از کیفیت علمی و توان فکری لازم برخوردار باشند، ممکن نخواهد بود. آنچه که در نهایت خصوصیت و روند توسعه اقتصادی و اجتماعی جامعه (خصوصاً نواحی روستایی) را تعیین می‌کند «منابع

انسانی» آن جامعه است، نه سرمایه یا منابع مادی آن. چنان که پروفیسور «فردریک هارایسون» می‌گوید: <sup>(۱)</sup>

منابع انسانی پایه اصلی ثروت ملت‌ها را تشکیل می‌دهند. سرمایه و منابع طبیعی عوامل تبعی تولید هستند، در حالی که انسان‌ها عوامل فعالی هستند که سرمایه‌ها را متراکم می‌سازند، از منابع طبیعی بهره‌برداری می‌کنند، سازمان‌های اجتماعی - اقتصادی و سیاسی را می‌سازند و توسعه ملی را به جلو می‌برند. واضح است، کشوری که نتواند، مهارت‌ها و دانش مردمش را توسعه دهد و از آن در اقتصاد ملی به نحو مؤثری بهره‌برداری کند، قادر نیست، هیچ چیز دیگری را توسعه بخشد. <sup>(۲)</sup>

اینک با توجه به فضاوت‌های ارزشی که در مفهوم توسعه نهفته است و ارتباط خاصی که با پیشرفت دارد می‌توان گفت: توسعه و پیشرفت در نواحی روستایی چیزی جز غلبه بر سوء تغذیه، فقر، امراض و دیگر محدودیت‌های اقتصادی، اجتماعی نیست.

برای غلبه و فائق آمدن بر این نارساییها نیز، راهی جز ساخت زیربناهای توسعه (اعم از خدماتی، فرهنگی، آموزشی و ...) به نظر نمی‌رسد. حال، جهت نیل به این اهداف، شکوفایی توانمندیهای بالقوه نیروی انسانی موجود در نواحی روستایی و بخصوص نیروهای شاغل و فعال در بخش کشاورزی یا افرادی که به طور بالقوه توانمندی اشتغال در این بخش و



صنایع جنبی آن را دارند، از ضروری‌ترین امور خواهد بود. این امر نیز تحقق نخواهد یافت، مگر آن که، یک اقدام جدی و اصولی به منظور بازسازی نیروی انسانی موجود در نواحی روستایی از طریق سرمایه‌گذاری در جهت آموزش و تعلیم و تربیت سازمانی و حرفه‌ای این نیروها، در ابتدایی‌ترین مقاطع تا درجات و سطوح بالاتر آموزش، صورت گیرد.

در تعریف سرمایه انسانی آمده است: سرمایه انسانی، عبارت از: علم و دانش، گرایش و پیش، مهارت و تجربه، توان و قابلیت‌ها و... در نهایت، نظم و انضباطی که توسط آموزش در نیروی کار جامعه ذخیره می‌شود و سبب افزایش بهره‌وری کار آنان در تولید می‌گردد.<sup>۴۱</sup> هنگامی که از تشکیل سرمایه انسانی صحبت می‌شود، زمانی است که سرمایه‌گذاریهایی مالی (چه به صورت مخارج تحصیلی، چه به صورت فداکاری و هزینه فرصتهای از دست رفته)، انجام شده است تا تغییر و تحولاتی در افکار و اعمال فرد به وجود آورد. آن‌گاه این تغییر و تحولات که در درون افراد یک جامعه منبسط شده است و غیر قابل انفکاک هم می‌باشد، آنان را قادر می‌سازد، تا کالا و خدمات بیشتر و بهتری تولید نماید. و با واقع بینی و شناخت به توسعه همه جانبه محیط خویش بپردازد.

### ● برنامه ریزیهای لازم برای توسعه انسانی

ایجاد زمینه‌های لازم جهت کسب و تحصیل علم و دانش چه از طریق نظام آموزشی (دبستان، راهنمایی، دبیرستان و...)، چه از طریق آموزش ضمن کار و خدمت و آموزشهای ترویجی و احیائاً آموزشهای غیر مستقیم (از طریق القانات فرهنگی و برنامه‌های رادیو و تلویزیون) و غیره، نمونه‌هایی که از برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری در مورد نیروی انسانی در جوامع روستایی به شمار می‌رود، گرچه ممکن است، این نوع سرمایه‌گذاری، زودبازده نباشد، اما به تحقیق، سودآورترین نوع، در سرمایه‌گذاری به شمار می‌رود. در واقع، سرمایه‌هایی که از طریق چنین سرمایه‌گذاریهایی به دست می‌آیند، غیر قابل لمس و ظاهراً نامحسوس هستند. ولی، متراکم‌ترین نوع سرمایه در جهت توسعه می‌باشد. در خصوص سرمایه‌گذاری برای نیروی انسانی، گفته شده است:

آنچه اهمیت دارد، نامحسوس بودن یا غیر قابل تقسیم بودن چنین سرمایه‌هایی نیست؛ بلکه این است که این سرمایه‌ها، جزء غیر قابل انفکاک و قسمتی از روح و مغز و بدن انسان را تشکیل می‌دهد که همواره، با اوست و لحظه‌ای از وی جدا نمی‌شود. در طول تاریخ بشر، سرمایه‌گذاری برای رشد انسانها بوده است که زمینه‌های خلاقیت تواناییها و مهارت‌ها را در نوع بشر فراهم آورده و منجر به ابداعات و اختراعات و نهایتاً توسعه و ترقی جوامع مختلف شده است. اما امروزه، در بسیاری از کشورهای درحال توسعه و از جمله ایران، سیاستهای توسعه نیروی انسانی به طور مشخص یا وجود ندارد، یا این که به طور مبهم تعریف شده است و مکرراً تمویض می‌شوند و اغلب در این ارتباط، سیاستهای آنی و فوری با اقدامات عاجل و زودگذر همراه بوده است و انتظار دارند، که در کوتاهترین زمان ممکن، از آن بهره‌برداری نمایند و چون چنین انتظاری بی‌جا و

عجولانه بوده است، به نتایج مورد نظر به زودی دست نیافته و به طور دائم این گونه کشورها و نواحی، با کمبود نیروی انسانی کارآمد، در زمینه‌های لازم، جهت توسعه شهری روستایی مواجه بوده‌اند، لذا، توجه برنامه‌ریزان و سیاستگذاران امر توسعه (اعم از شهری و روستایی) را به این مهم جلب می‌نماید که: توسعه در هر دو ناحیه شهری و روستایی، بدون داشتن برنامه‌ریزی بلند مدت اقتصادی - اجتماعی و سرمایه‌گذاری برای نیروی انسانی در کنار سرمایه‌گذاریهای مادی، در دنیای امروز ممکن نخواهد بود. چرا که، برنامه‌ریزی توسعه منابع انسانی، تلاشی نظام‌دار است، جهت ارتقای سطح آگاهی و شناخت افراد و احاد جامعه از یک سو و ارتقای کیفی جامعه از یک مرحله توسعه اقتصادی - اجتماعی به مرحله‌ای برتر، از سوی دیگر است.

البته در جمهوری اسلامی ایران بعد از جنگ و در برنامه پنجساله اول توسعه اقتصادی اجتماعی، به این

مهم توجه شده است و اثرات و نمادهای آن را نیز، در ترکیب بودجه و اعتبارات دولت مشاهده می‌شود. به طوری که هر ساله بیش از ۳۰ درصد کل بودجه مملکت در امر تعلیم و تربیت نیروی انسانی، در سطوح مختلف آموزشی، هزینه می‌شود، که اگر به این رقم، اعتبارات مربوط به بهداشت و درمان، تغذیه و غیره را نیز بیفزاییم، می‌بینیم که بیش از ۵۰ درصد بودجه کشور، صرف تأمین و تربیت نیروی انسانی سالم، فعال و کارآمد، در سطوح مختلف می‌شود. (۵)

این امر امیدوارکننده و نویدبخش توسعه و ترقی ایران اسلامی در آینده‌ای نه چندان دور است. به تبع، مردم در نواحی روستایی نیز، از این سرمایه‌گذاریها در کنار نواحی شهری، بهره‌مند می‌شوند یا توجه به این که درصد بیشتری از جمعیت کشور در نواحی روستایی سکونت دارند، از خدمات ناشی از سرمایه‌گذاری نیروی انسانی به نسبت، بیشتر بهره‌مند می‌شوند و مستحق چنین بهره‌مندی نیز، هستند. البته نمود آن در وجود مدارس زیادتری در نواحی روستایی است.

قابل ذکر است که؛ در برنامه‌ریزی توسعه منابع انسانی، بهداشت و تغذیه نیز، همچون آموزش، جایگاه مهمی دارد و تأمین سلامتی افراد از طریق بهبود تغذیه و ارتقای سطح بهداشت، یکی از لوازم توسعه منابع انسانی و تبدیل فرد به سرمایه انسانی بوده است و استحصال بازده و نتیجه مطلوب از این سرمایه نیز موقوف به سلامت او می‌باشد. طبق برآورد بانک جهانی، بیماری در کشورهای در حال توسعه، به طور متوسط، حدود یک دهم وقت و عمر بالقوه، نیروی فعال و مفید هر فرد و جامعه را تلف می‌کند. (۶)

### ● نقش آموزش در توسعه منابع انسانی

مکانیزم نهادی و اصلی، برای توسعه مهارتها و دانش انسانی، نظام رسمی آموزشی است. (۷) بدون شک، باید آموزش را یکی از مهمترین ابزارهای لازم و ضروری برای حرکت روستا، در روند رشد و توسعه همه جانبه دانست. بدیهی است که این امر، در جامعه‌ای مثل ایران، متضمن تمامی مقولات بینشی، فنی و تخصصی مورد نیاز برای پیشرفت روستا و تعالی روستاییان می‌باشد و لزوماً از ماهیتی گسترده و متنوع

برخوردار است. آموزش روستایی به عنوان رکن سرمایه‌گذاری برای نیروی انسانی در روستاها و به عنوان محمل و بستری گسترده که ارتقای سطح فرهنگ عمومی روستا را در جهت نیل به اهداف توسعه و استقلال و خودکفایی کشور امکان‌پذیر می‌سازد، باید بتواند، مجموعه‌ای وسیع و قابل توجهی از بینشها و آگاهیهای فرهنگی - اجتماعی و دانشهای فنی - تخصصی را به مخاطبین خود انتقال دهد.

واضح است که، عناصر و محتویات موجود در این مجموعه، باید با نیازهای روزافزون روستاییان و عشایر هماهنگی منطقی داشته و با ارزشهای اصیل جامعه اسلامی و زندگی روستایی و عشایر تباینی نداشته باشد. برای این کار، در وهله اول باید از طریق آموزش عمومی به تبلیغ مفاهیم و مقولاتی مبادرت ورزید که با استفاده از آنها می‌توان مخاطبین روستایی را به ضرورت‌های ناشی از اهداف توسعه و پیشرفت و حفظ استقلال و خودکفایی متوجه ساخت و در آنها حساسیتهای مثبت لازم را در قبال مسائل و مشکلات جامعه روستایی ایجاد نمود، آن گاه باید آموزش در عرصه مسائل فنی و تخصصی، در زمینه‌های بسیار وسیع و گسترده‌ای صورت گیرد. بدین معنی که باید در حد امکان کوشید تا همواره، کلیه تجربیات علمی (فنی، تخصصی) را که آگاهی به آنها، برای کار در تمام مراحل و مقاطع تولیدی لازم است، به روستایی ارائه داد.

متأسفانه در حال حاضر، در نواحی روستایی این گونه، برنامه‌ریزی و عمل نمی‌شود. به طوری که در ناحیه روستایی پشت آب سیستان که مورد مطالعه قرار گرفت سرمایه‌گذاری بر نیروی انسانی و رساندن خدمات آموزشی و بهداشتی به آنها بسیار ناچیز است و برنامه‌ریزی جامعی صورت گرفته است چنان که، در آخرین سرشماری عمومی نفوس و مسکن، از مجموع جمعیت ۶ ساله و بیشتر، در این بخش، فقط ۴۲ درصد باسواد و مابقی، یعنی ۵۸ درصد، از هر گونه خدمات آموزشی حتی در سطح خواندن و نوشتن، محروم بودند. حال این که، اکثر اینها در سنین میانسالی و بزرگسالی بودند و در نتیجه، چون اغلب نیروهای موجود در سنین فعالیت و اشتغال بی‌سوادند، نخواهند توانست از آموزشهای ترویجی (در صورت وجود) با توجه به بافت

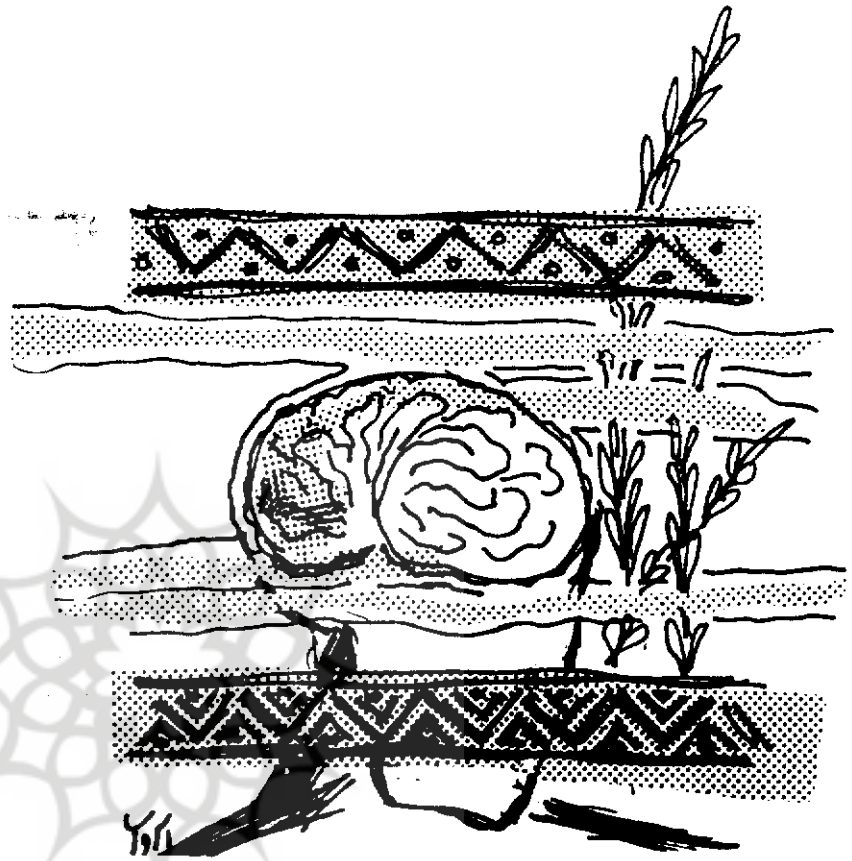
غالب معیشت کشاورزی و دامداری بهره‌مند شوند. لذا، بازده تولیدی آن بسیار اندک و ناچیز خواهد بود. به طوری که اکنون بازده تولید گندم و جو، به عنوان کشت غالب در این ناحیه، کمتر از ۱ تن در هکتار است. (۸)

### ● نقش توسعه انسانی در توسعه اقتصادی روستا

در ناحیه مورد مطالعه، با توجه به سطح اشتغال بسیار پایین (۲۰ درصد جمعیت) و توزیع نامتناسب آن در زیر بخشهای اقتصادی (کشاورزی ۶۱ / ۳، صنعت ۱۷ / ۳ و خدمات حدود ۲۰ درصد (۹)، در کنار سطح سواد، آموزش و بهداشت نامطلوب و بسیار محدود، ضرورت توجه به توسعه انسانی در روند توسعه روستایی، اولویت خاصی می‌یابد. چرا که، اگر بتوان با برنامه‌ریزی و سیاستگذاری مناسب، کیفیت نیروی انسانی موجود در این روستاها را افزایش داد، قطعاً می‌توان ادعا نمود که عمده‌ترین مانع توسعه روستایی را کنار زده‌ایم. بدین معنی که: در صورت بهبود کیفیت توان بهره‌برداری انسان روستایی از مواهب طبیعی و مصنوعات ساخته دست بشر، او خواهد توانست بسیاری از تنگناهای موجود در روستای خویش و نارساییهایی که در راه توسعه همه جانبه روستایی نهاده شده است، یکی پس از دیگری، با تدبیر و تخصص خویش بردارد و کم کم به محل سکونت و تولید و درآمد خود چهره‌ای نو ببخشد. در واقع، می‌توان گفت: توسعه نیروی انسانی: توسعه کشاورزی، دامداری، صنعتی، خدماتی و غیره را نیز خود به خود به دنبال خواهد داشت. یعنی، وقتی که فکر و روح و معلومات و دانستیها و مهارتهای علمی و فنی روستایی توسعه یابد، او نه تنها کشاورزی سنتی خویش را متحول خواهد ساخت؛ بلکه با شناخت و درایت از نهاده‌ها و تکنولوژی جدید در کشاورزی به طور مطلوب خواهد کرد. در نتیجه، بازده محصول و ارزش افزوده تولید آن را چند برابر خواهد ساخت. وی، دیگر بر دامداری سنتی قناعت نخواهد کرد و از دامپروری صنعتی و نیمه صنعتی به خوبی بهره‌مند خواهد شد در این صورت، خواهد توانست، فرهنگ کار و بهره‌برداری از صنایع چینی کشاورزی و دامداری را بپذیرد و با توسعه این امور، توسعه صنعتی را برای روستای خویش به ارمغان آورد و در همین زمان

مريض نشوند و از امراض و بیماریهای مسری و واگیردار رنج نبرند. چرا که، عدم وجود بهداشت و آموزش کافی، زمینه را برای هرگونه بیماری جسمی و روحی فراهم می‌نماید و در نتیجه، توان هرگونه ابتکار و خلاقیت و جنب و جوش و فعالیت و تولید کالا و خدمات از چنین مردمی سلب خواهد شد. در کنار اینها، سوءتغذیه و فقر نیز مزید بر علت است به این دلیل، ساکنین روستایی این ناحیه، اعم از مرد و زن در سنین ۳۰ الی ۴۰ سالگی شکسته و فرسوده می‌شوند و توانایی انجام هرگونه کاری را به شدت از دست می‌دهند. اینها همه، ریشه در عدم توسعه انسانی در این ناحیه دارد، در صورتی که اگر تنها سرمایه‌گذاری انسانی در این گونه جوامع صورت گیرد و از طریق آموزش کمی و کیفی، این مردم به امکانات و توانمندیهای بالقوه و بالفعل خود و محیط خویش آگاه شوند، آن گاه خود بروسه فعالیت و تولید و تغییر و تحول مثبت در درآمد و معیشت خویش را تکمیل خواهند نمود، در این صورت، اینان نه تنها افرادی منفعل و سربار جامعه نخواهد بود؛ بلکه با تشخیص و شناخت بهتر و بیشتر، هم آگاهیهای علمی و تخصصی خویش را فراخور نیاز روستایی خود افزایش خواهند داد و هم به حفظ سلامت و بهداشت خویش خواهند پرداخت در چنین حالی، هم ضریب تولید محصولشان را بالا خواهند برد و هم به بهسازی محیط خویش اقدام خواهند کرد.

این زمینه برای مشارکت و همیاری هر چه بیشتر آنها در جهت بهره‌برداری از امکانات آب و خاک و توانمندیهای محیطی روستا و در واقع، در تمامی زمینه‌های اجتماعی - اقتصادی و حتی فرهنگی و سیاسی خواهد بود. در این صورت، انسان آگاه و صاحب شناخت روستایی، خواهد توانست، با فراگیری آموزشهای ترویجی، از آب، خاک، کود، سم، پدز و غیره، به موقع و بجا استفاده نماید و درکاشت، داشت و برداشت محصول با نهایت دقت و آینده‌نگری، تمامی تلاش و توان خویش را به کار گیرد. همچنین او خواهد توانست، از علوفه و مراتع موجود، به خوبی استفاده نماید و از هرگونه تخریب و نابودی آن نیز، جلوگیری کند. او با شناخت و آگاهی، ترغیب خواهد شد که: به صنایع جنبی کشاورزی و دامداری روی آورد و ارزش



انسان در نواحی روستایی به مراتب پربازده‌تر از سایر سرمایه‌گذاریها بر منابع خواهد بود. ناحیه مورد نظر نیز، به لحاظ دارا بودن بافت کاملاً روستایی و به عنوان یکی از نواحی روستایی کشور، چنین سرمایه‌گذاری را می‌طلبد و مطمئناً اگر به توسعه انسانی این ناحیه اولویت داده شود و بر روی آن سرمایه‌گذاری لازم به عمل آید، به طور قطع، می‌توان به توسعه همه جانبه آن در سایر زمینه‌ها امیدوار بود. در غیر این صورت، توسعه روستایی در این ناحیه، مبهم به نظر می‌رسد. در خصوص توسعه خدمات بهداشتی نیز در این ناحیه وضع بهتر از آموزش و اشتغال نیست، چون در حال حاضر، از مجموع ۱۶۰ روستای دارای سکنه در این بخش، فقط ۲۴ روستا از آب روستا از آب نسبتاً سالم و بهداشتی و لوله‌کشی شده برخوردارند و تنها ۸ روستا، دارای مرکز بهداشتی درمانی هستند و در کل بخش، فقط ۹ روستا پزشک دارند و مابقی که اکثریت قریب به اتفاق روستاها را تشکیل می‌دهند، از داشتن هرگونه دارو و درمان و پزشک در مرکز درمانی یا آب سالم و بهداشتی محروم هستند (۱۰). به طور مشخص با چنین وضعی نباید، انتظار داشت که روستاییان

صنایع دستی خویش را نیز، بویا نمایند. با گسترش سرمایه‌انسانی و توجه به این مهم، دیگر نیاز نخواهد بود که دولت و کارگزاران، بازور و اجبار، روستاییان را به پذیرش تحولات علمی و صنعتی و تکنولوژیکی مجبور نمایند. وقتی فکر روستایی توسعه یافت و او شناخت پیدا کرد، دیگر خود با مشارکت و همیاری به استقبال پذیرش داده‌های علمی در امور کشاورزی و دامداری و صنعت و ... خواهد رفت. در چنین صورتی، نیاز نخواهد بود که دولت به تنهایی بار سنگین هزینه‌های رساندن آب، برق، راه و جاده، بهداشت و درمان و ... را به روستاها تحمل کند. بلکه، روستایی آگاه که فکر و ذهن او توسعه یافته است و تصور درستی از پدیده‌ها دارد، این خدمات و سرویسهای خدماتی راه زیربنای توسعه روستای خویش تلقی خواهد کرد و در جهت تسریع این توسعه، نهایت توان مالی و معنوی خویش را در همیاری با دولت جهت رفاه خود و خانواده خویش به کار خواهد گرفت. لذا، می‌توان به جرات گفت: توسعه منابع انسانی زمینه ساز توسعه سایر منابع مادی و معنوی جامعه است. در واقع، سرمایه‌گذاری برای توسعه فکری جامعه و نوع

افزوده محصول و دام خویش را نصیب خود نماید. این زمینه‌ها و دهها پیامد دیگر، ره‌آوردی است که سرمایه‌گذاری بر نیروی انسانی در این ناحیه یاهر ناحیه روستایی دیگر به ارمغان خواهد آورد.

البته در خلال برنامه پنجساله اول، حرکتی در این ناحیه صورت گرفته و تحولات محدودی در زمینه‌های سرمایه‌گذاری و توجه به نیروی انسانی انجام شده است؛ ولی، این کافی نیست و توجه به این امر، مستلزم جامع‌نگری و واقع‌بینی شرایط خاص منطقه سیستان به لحاظ شرایط طبیعی و انسانی آن با توجه به زمینه‌های تاریخی، سیاسی و موقعیت خاص جغرافیایی و ژئوپولیتیک آن می‌باشد، این عوامل، در مجموع، ایجاب می‌کند، تا روند رشد و توسعه و به خصوص توجه به سرمایه‌انسانی در این سرزمین سریع‌تر و بیشتر از سایر نواحی کشور شتاب گیرد.

### نتیجه

در مجموع سرمایه‌انسانی و در واقع نیروی انسانی کارآمد در نواحی روستایی با بيمودن راههای زیر در روند توسعه، کارساز و مفید خواهد بود:

۱- با سرمایه‌گذاری در جهت آموزش روستاییان و فرزندانشان، می‌توان در کوتاه مدت و در درازمدت، توسعه روستایی را در منطقه تسريع کرد. بدین معنی که، با آموزشهای کوتاه مدت ترویجی می‌شود، توان بازده و قدرت خلاقیت کشاورزان روستایی و زنان خانه‌دار را که در صنایع دستی اشتغال دارند، به میزان زیادی افزایش داد. یعنی با پرورش فکر و روح روستاییان و آموزشهای تخصصی و فنی و ترویجی در خصوص مسائل کشاورزی و صنایع دستی برای آنان، در نهایت بازده محصول و تولیدشان را افزایش داد که این امر، به نوبه خود، باعث اشتغال، درآمد و سرمایه‌گذاری بیشتر روستاییان می‌شود و در نتیجه، تسريع روند توسعه را به دنبال خواهد داشت. از سوی دیگر، می‌توان با گسترش آموزشهای رسمی (دبستان، راهنمایی و دبیرستان) برای فرزندان روستاییان و همچنین آموزشهای غیر رسمی (برنامه ترویجی، فنی، فرهنگی، هنری و ... سازگار با اشتغالات روستایی از طریق رادیو، تلویزیون، نمایش فیلم و ...) برای این نوباوگان روستایی، که کم‌آنان را با فرهنگ

و اسماللات روستایی آشنا نمود و با گسترش مراکز تخصصی در سطوحی عالیتر (مثل هنرستانهای کشاورزی، آموزشکده دامپروری، مراکز آموزش صنایع دستی، دانشکده‌های کشاورزی و دامپروری و ...) در این روستاها، آینده رشد و توسعه این نواحی را تضمین نمود و به رونق آن امیدوار بود. پس می‌توان ادعا نمود که: سرمایه‌گذاری برای توسعه نیروی انسانی، پربازده‌ترین نوع سرمایه در جهت توسعه روستایی به شمار می‌رود.

۲- در صورت تأمین و تربیت انسانی آموزش دیده و واقع‌گرا در چنین مناطقی می‌توان مشارکت و همکاری آنان را در برنامه‌ریزی و اجرای طرحهای توسعه روستایی جلب نمود و از این طریق، در روند توسعه گامی مهم برداشت. بدین معنی که، در صورتی که روستاییان از توان فکری و قدرت تصمیم‌گیری لازم و شناخت واقع‌بینانه از مسائلی که پیرامونشان می‌گذرد، برخوردار باشند، مسلماً به سرنوشت خویش علاقمند می‌شوند و نهایت توان خویش را در جهت سالم‌سازی محیط و بهبود بخشیدن به زندگی خود و فرزندان‌شان به کار خواهند گرفت. بنابراین، مشارکت و تشریک مساعی در امور به عنوان یک ضرورت در میان آنان تلقی خواهد شد و آن‌گاه با همیاری خود و کمک دولت، چهره روستاهایشان را متحول خواهند ساخت و توسعه روستایی را برای خویش به ارمغان خواهند آورد.

۳- نتیجه مسلم دیگر سرمایه‌گذاری بر نیروی انسانی، در روند توسعه روستایی، افزایش محصول درآمد روستاییان خواهد بود. یعنی کشاورزی که از آموزش ترویجی لازم در جهت بهره‌برداری از نهاده‌ها و ادوات کشاورزی برخوردار شود، خواهد توانست، با بهره‌گیری از نوآوری‌های علمی و تکنولوژیکی (کود، بذور صلاح شده، سموم دفع آفات، تراکتور، کمباین و ...) به خوبی بهره‌برداری نماید و بر تولید و درآمد خویش بیفزاید. همچنین او ترغیب خواهد شد که از صنایع روستایی نیز بهره‌گیرد. در نتیجه، صنایع دستی و صنایع کمیتی و تبدیلی کشاورزی و دامداری (قالی‌بافی، نوبافی، چتانی، صنایع غذایی، صنایع لبنی، صنایع جرم‌سازی، ریسندگی و ...) بیش از پیش، در این نواحی گسترش و اشتغال، درآمد و سرمایه

و وقتی که روستاییان در این زمینه‌ها سرمایه‌گذاری می‌کنند، نه تنها به بهبود زندگی خود و خانواده‌هایشان کمک می‌کنند، بلکه به توسعه اقتصاد ملی و اجتماعی کشور نیز کمک می‌کنند. بنابراین، سرمایه‌گذاری در این زمینه‌ها، نه تنها برای روستاییان، بلکه برای کل جامعه ایران، یک ضرورت است. دولت باید با اتخاذ سیاست‌های مناسب، زمینه‌های لازم را برای سرمایه‌گذاری روستاییان فراهم کند. این امر شامل تسهیل فرآیندهای اداری، مالی و فنی است. همچنین، دولت باید با حمایت از صنایع روستایی، به توسعه این بخش از اقتصاد ملی کمک کند. در نهایت، سرمایه‌گذاری در این زمینه‌ها، نه تنها برای روستاییان، بلکه برای کل جامعه ایران، یک ضرورت است. دولت باید با اتخاذ سیاست‌های مناسب، زمینه‌های لازم را برای سرمایه‌گذاری روستاییان فراهم کند. این امر شامل تسهیل فرآیندهای اداری، مالی و فنی است. همچنین، دولت باید با حمایت از صنایع روستایی، به توسعه این بخش از اقتصاد ملی کمک کند.

آموزش روستاییان به عنوان یکی از راهکارهای کلیدی برای توسعه روستاییان و به عنوان محمل و بستری گسترده که ارتقای سطح فرهنگ عمومی روستا را بر جهت نهادی اهداف توسعه و استقلال خواهد داشت. کشور امکان‌پذیر می‌سازد باید بتواند مجموعه‌ای وسیع و قابل توجهی از بینشها و آگاهیهای فرهنگی - اجتماعی و دانشهای فنی - تخصصی را به مخاطبین خود انتقال دهد.



مدیریت دولتی، تهران، ۱۳۶۹

9 - LLOYD J. PHIPPS, Agricultural

Education in School, university of illinois  
champaign, U.S.A (1989)

10 - Alfred H. Gorman. Teachers and  
Learners. The Interactive process of  
Education. Allyn and Bacon, Inc. (1969 and  
1974)

### بقیه از صفحه ۳۵

### منابع

- ۱- عظیمی (آرانی) حسین. مدارهای توسعه یافتگی در اقتصاد ایران، نشرنی، چاپ دوم، ۱۳۷۱
- ۲- حکم‌راج و جانب‌راج، جامعه‌شناسی فقر (مجموعه مقالات)، ترجمه: احمد کریمی، انتشارات امیرکبیر
- ۳- گروه اقتصاد سرمایه برنامه، شاخصهای اجتماعی و فرهنگی استان آذربایجان شرقی، انتشارات سازمان برنامه و بودجه استان آذربایجان شرقی، ۱۳۷۱
- ۴- رضایی دانش حسین، اطلاعات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شهرت‌های استان آذربایجان شرقی، ۱۳۷۱
- ۵- گزارش عملکرد گذشته وضع موجود بخشهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی استان آذربایجان شرقی، نسوزنی عالی برنامه‌ریزی استان آذربایجان شرقی، ۲ جلد، ۱۳۶۱
- ۶- برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی استان آذربایجان شرقی (۷۷-۱۳۷۲)، کمیته برنامه‌ریزی استان آذربایجان شرقی
- ۷- گروه اقتصاد، سندی اقتصادی استان آذربایجان شرقی، سازمان برنامه و بودجه استان آذربایجان شرقی، ۱۳۶۸
- ۸- مخبرنوبنی هسین، تندی، از عقابو جهنم خود، زمستان ۱۳۶۸، چاپ بوسنده.
- ۹- کت کالیبرایت، ماهیت فقر عمومی، ترجمه محمدحسین عادل، انتشارات اطلاعات، ۱۳۶۶
- ۱۰- خلاصه باهه‌های دوره معاندی، «کاهنی فقر روستایی» سازمان برنامه و بودجه استان کهکونوبه.
- ۱۱- بان در هوسنی، فقر، مفهوم و نشانه‌گیری آن، ترجمه و تخلص: حمید سهرسی، ۱۳۵۸
- ۱۲- بخی در مورد مسائل درآمد و نیازهای سانی، بیرون رئیس فرد، معاونت طرح و برنامه دفتر مطالعه مرکز، ۱۳۶۵
- ۱۳- بیروسی، ملل فقیر، ترجمه: خلیس منکی، انتشارات گام
- ۱۴- گوارد میردال، درآمد سانی بروهسی درباره فقر منبه، ترجمه منوچهر آفری، انتشارات امیرکبیر

بودجه، جلد‌های اول و دوم، سال ۱۳۶۹.

- ۵- تریکا، زان و پلیسیه - مسائل توسعه روستایی (مجموعه مقالات) ترجمه ابوالحسن سروقد مقدم، انتشارات استان قدس رضوی - سال ۱۳۷۱.
- ۶- روستا و توسعه (گزینه مقالات) شماره چهارم، مرکز تحقیقات روستایی جهادسازندگی - مهر ماد ۱۳۷۱.

۷- رفیع پور، فرامرز - جامعه روستایی و نیازهای آن - شرکت سهامی انتشار، چاپ دوم - سال ۱۳۷۰.

۸- صفدری، مهدی - نقش سرمایه انسانی در نوآوری تکنولوژیکی، دانشگاه اصفهان، دانشکده اقتصاد، سال ۱۳۷۱. (بایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد)

۹- عمادزاده، مصطفی - مباحثی از اقتصاد آموزش و پرورش - جهاد دانشگاهی، دانشگاه اصفهان - سال ۱۳۶۹.

۱۰- عظیمی آرانی، حسین - مدارهای توسعه نیافتگی در اقتصاد ایران، نشرنی - سال ۱۳۷۱.

۱۱- لوئیس، آرتور - برنامه ریزی توسعه، ترجمه مجید آرانی نژاد، انتشارات امیرکبیر - سال ۱۳۷۰.

۱۲- مرکز کامپیوتر سازمان برنامه و بودجه سیستان و بلوچستان - آمار روستایی و کشاورزی استان - سال ۱۳۷۲.

۱۳- مطیعی لنگرودی، سید حسن - جزوه برنامه‌ریزی روستایی (دوره کارشناسی ارشد جغرافیا) دانشگاه مشهد - سال ۱۳۷۱.

۱۴- مطوف، شریف - بازسازی و توسعه (مجموعه مقالات کنفرانس برنامه‌ریزی توسعه) مؤسسه عالی پژوهش در برنامه‌ریزی سال ۱۳۷۱.

### قیه از صفحه ۵۸

- ۱- جهادسازندگی، تهران، چاپ اول، ۱۳۶۹
- ۲- سیف، علی اکبر، روانشناسی پرورشی، انتشارات آگاه، تهران، ۱۳۶۸
- ۳- گروه مشاوران یونسکو، «فرایند برنامه‌ریزی آموزشی» ترجمه فرید مشایخ، انتشارات مدرسه، تهران، ۱۳۶۹
- ۴- مرکز آموزش مدیریت دولتی، مقاله‌های درباره آموزش در سازمانهای اداری، انتشارات سازمان

روستاییان افزایش خواهد یافت، و چرخه تولید در روستا تکمیل می‌شود و نهایتاً ارزش افزوده تولیدات روستایی که هم اینک در شهرها و توسط شهریان به کار گرفته می‌شود. در خود روستاها خواهد ماند و مجدداً در پروسه تولید به کار گرفته خواهد شد. لذا، می‌بینیم که، همه این راه‌وردها و دهها راه‌وردی دیگر، نتیجه مستقیم سرمایه‌گذاری بر نیروی انسانی در نواحی روستایی خواهد بود.

### پی‌نوشت:

- 1- Fredrick H. Harbison, Human Resources the wealth of notions (new) York : oxforduniversity press 1973, p.3
- ۲- به نقل از توسعه اقتصادی در جهان سوم - مایکل تودارو - ترجمه غلامعلی فرجادی - جلد دوم ص ۲۷۲
- ۳- عمادزاده - مصطفی، مباحثی از اقتصاد و پرورش - جهاد دانشگاهی دانشگاه اصفهان - ۱۳۶۹ ص ۲۸.
- ۴- صفدری - مهدی، نقش سرمایه انسانی در نوآوری تکنولوژیکی - رساله کارشناسی ارشد در اقتصاد نظری - دانشکده اقتصاد دانشگاه اصفهان سال ۱۳۷۱ ص ۱۷.
- ۵- کتاب برنامه - سازمان برنامه و بودجه، به نقل از حسین عظیمی - مدارهای توسعه یافتگی در اقتصاد ایران - نشرنی ۱۳۷۰ ص ۸۲ - ۷۰.
- ۶- صفدری - مهدی - نقش سرمایه انسانی در نوآوری تکنولوژیکی - دانشگاه اصفهان - ۱۳۷۱ ص ۲۱.
- ۷- تودارو - مایکل، توسعه اقتصادی در جهان سوم - ترجمه غلامعلی فرجادی - چاپ چهارم - جلد دوم ص ۲۷۲.
- ۸- ابراهیم زاده - عیسی - استراتژیهای رشد و توسعه روستایی، نمونه ۱۶۰ روستای پشت آب سیستان - دانشگاه سیستان و بلوچستان - حوزه معاونت پژوهشی سال ۱۳۷۲ ص ۱۰۷.
- ۹- منبع قبلی ص ۲۳۵.
- ۱۰- منبع قبلی ص ۲۰۹.

### منابع و مآخذ

- ۱- ابراهیم زاده، عیسی - راهبردهای رشد و توسعه روستایی در سیستان، نمونه ۱۶۰ روستای پشت آب، حوزه پژوهشی دانشگاه سیستان و بلوچستان - سال ۱۳۷۲.
- ۲- اختر عبدالحمیدخان - صد سال عمران روستایی، ترجمه اسدالله زمانی پور، مجتمع آموزش عالی، بیرجند، سال ۱۳۶۶.
- ۳- بولاد دژ، محمد - آینده نگری رشد و توسعه در سیستم برنامه‌ریزی، چاپ صنوبر - سال ۱۳۶۷.
- ۴- تودارو، مایکل - توسعه اقتصادی در جهان سوم، ترجمه غلامعلی فرجادی - سازمان برنامه و